

در پی هماهنگی‌های به عمل آمده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران و متعاقب برگزاری جلسات کارشناسی متعدد از سوی بانک‌های ایرانی، قرارداد تأمین مالی هشت میلیاردیورویی اگزیم بانک کره‌جنوبی با حضور نمایندگان بانک‌های ایرانی در شهر سئول کره‌جنوبی به امضا رسید. به گزارش روابط عمومی بانک رفاه، این بانک به عنوان یکی از بانک‌های قدیمی و پیشرو کشور، با امضای قرارداد تأمین مالی در کنار ۱۱ بانک دیگر، باز هم تلاش کرد در مسیر تحقق اهداف عالی بانک و همسو با برنامه‌های کلان اقتصادی کشور، نسبت به حضور مؤثر در حوزه بانکداری بین‌الملل و استفاده بهینه از منابع خارجی برای اجرای طرح‌های زیرساختی و عمرانی در بخش‌های مختلف ازجمله حوزه بهداشت و سلامت، نفت، گاز، پتروشیمی و سایر صنایع بالادستی، انرژی و سایر حوزه‌های مرتبط اقدام کند. بانک رفاه کارگران، در کنار ارائه خدمات با کیفیت ارزی در دو حوزه بانکداری خرد و عملیات بانکی برون‌مرزی افتخار دارد تا خدمات مشاوره‌ای و عاملیت بانکی مرتبط با تأمین مالی طرح‌های مصوب در حوزه‌های یادشده را از محل خط اعتباری میان‌مدت و بلندمدت تخصیصی به مشتریان گرامی ارائه کند.

تولید دومحصول جدید در پتروشیمی جم

محصول پلیمری PIPE GRADE در واحد پلی اتیلن سنگین با کلاس PE۱۰۰ و کاتالیست جدید در شرکت پتروشیمی جم، تولید شد. به گزارش روابط عمومی پتروشیمی جم، سیدحسین میرافضلی با اعلام این خبر اظهار کرد: «در راستای حمایت از تولید داخل و رفع نیاز صنایع پایین‌دست پتروشیمی به مواد اولیه مورد نیاز و به جهت قطع وابستگی به خارج کشور و واردات این مواد، شرکت پتروشیمی جم با وجود تمامی مشکلات سالیان اخیر که به علت عدم تأمین کاتالیست مورد نیاز توسط شرکت‌های غربی برای تولید گریپ‌پایپ به‌وجود آمده بود، موفق به جایگزینی کاتالیست از منابع در دسترس آسیایی و تولید محصول گریپ‌پایپ کلاس PE۱۰۰ شد که از نظر کیفیت قابل رقابت با محصول اصلی و با قابلیت عرضه در بازار بین‌المللی مطابق با استانداردهای جهانی است.» مدیر عامل شرکت پتروشیمی جم با اشاره به اهمیت این محصول ارزشمند تصریح کرد: «تولید محصول پلیمری PIPE GRADE در واحد پلی اتیلن سنگین در کلاس PE۱۰۰ همواره مد نظر و جزو دغدغه‌های ما بوده و این شرکت اولین تولیدکننده این گرید ارزشمند و پرتقاضا با کیفیت مطلوب و با گواهی‌نامه بین‌المللی در بازار داخل کشور است.» میرافضلی افزود: «پیش از قطع دریافت کاتالیست اصلی و با پیش‌بینی امکان عدم تحویل آن در آینده نزدیک و به جهت رفع وابستگی کامل در این زمینه، طرح استفاده از کاتالیست‌های جایگزین در خردادماه ۹۳ مطرح و در برنامه قرار گرفت.» مدیر عامل شرکت پتروشیمی جم بیان کرد: «هم اکنون شرکت پتروشیمی جم موفق شده است با سرمایه‌گذاری مناسب، صرف وقت، هزینه و قبول ریسک‌های ناشی از استفاده از کاتالیستی متفاوت از کاتالیست طراحی، محصول استراتژیک PE۱۰۰ را با کیفیت جهانی تولید و به بازار عرضه کند.» میرافضلی در پایان گفت: «انتظار می‌رود با حمایت و قیمت‌گذاری مناسب این محصول و خصوصاً گرید PE۱۰۰ Black در بازار داخل توسط مسئولان امر، انگیزه کافی برای تولید و عرضه مستمر این محصول بوجود آید. در صورت حمایت، این شرکت می‌تواند در راستای تأمین و رفع نیاز کامل کشور به گرید پایپ PE۱۰۰ اقدام کند.»

شستا و مسئولیت اجتماعی

مدیرعامل شستا می‌گوید به‌رغم نداشتن مسئولیت در قبال برخی مسائل خاص اجتماعی ، شستا با ایجاد بسترهای شغلی و همین‌طور رفع محرومیت در مناطقی از کشور، به طور طبیعی به این مسائل اهمیت نشان داده است. اما وظیفه ذاتی شستا این نیست، **نوروز**زاده با این حال تأکید می‌کند ممکن است بسیاری از مخاطبان دغدغه‌مند به خصوص فعالان در حوزه‌های کارگری و اجتماعی از ما یا از مقامات تأمین اجتماعی چنین انتظاری‌های هم داشته باشند، اما این مسئله در مورد شستا شکل متفاوتی دارد، چرا که « وظیفه اصلی شستا حفظ ارزش ذخایر بیمه‌شدگان است، هرچند در این راه به مسائل اجتماعی و محیط‌زیستی هم بی‌توجه نخواهیم بود.»

۰۴ | آنتی‌رو

ویس‌شتره

سرمایه‌گذاری اجتماعی

گفت‌وگوی صریح و بی‌پرده با **رضانوروززاده**، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی

وظیفه اصلی شستا حفظ ارزش دارایی بیمه‌شده‌هاست



«در حوزه‌ای‌تی‌شرکت‌رایتل که ۱۰۰ درصد سهام آن در اختیار ماست در حال فعالیت است، پروژه رایتل از سال ۱۸۸۸ آغاز شد و یکی از خوش‌نام‌ترین اپراتورهای تلفن همراه در ایران است.» / عکس: مسعود شهرستانی

■ چقدر در این بازار سرمایه توانسته‌اید سرمایه‌گذاری کنید و چقدر به نتیجه رسیده‌اید؟

این سوال را از دو منظر می‌توان پاسخ داد. یکی تخصصی و دیگری از منظر وضع موجود. از منظر وضع موجود وقتی یک شرکت مالک ۹۰ هلدینگ در رشته‌های مختلف است، صیانت و مدیریت نکردن این منابع به طور قطع، خسران مالی را به دنبال خواهد داشت. من مثالی بزنم، اگر کارخانه‌ای را در کشورهای جهان سوم بخواهند قیمت کنند، ساختارهای فیزیکی کارخانه را ارزش‌گذاری می‌کنند. اما در جهان پیشرفته دیگر اینگونه نیست بلکه دارایی‌های محسوس و دارایی‌های نامحسوس کارخانه هم مدنظر قرار می‌گیرد و در قیمت‌گذاری لحاظ می‌شود. لذا وقتی می‌گویند کارخانه‌ای که ۱۰۰ واحد ارزش دارد، حدود ۵۲ درصد آن فیزیکی است و ۸۰ درصد آن نامحسوس است، ارزش نامحسوس آن، همان برند کارخانه است که شامل منابع انسانی، دانش فنی و... است. وقتی وارد بازار سرمایه می‌شوید ارزش نامحسوس نیز برای کارخانه شما لحاظ می‌شود. در سود سهام تنها ماشین کار نمی‌کند. آدم‌ها و خلاقیت و مدیریت‌شان هم کار می‌کنند. به این ترتیب برای اینکه یک مجموعه بزرگ اقتصادی بخواهد از دارایی‌هایش صیانت کند باید در بازار بورس و سرمایه حضور داشته باشد و سهام بخرد، بفرشد و نگذارد ارزش سهامش پایین بیفتد. از طرف دیگر این مجموعه برای اینکه بتواند از دارایی‌هایش صیانت کند باید مجموعه‌ای از نیروهای متخصص در حوزه بورس داشته باشد که در شستا شرکتی به نام «صبا تأمین» تشکیل شده است که وظیفه‌اش خرید و فروش و بررسی وضعیت سهام برای مدیریت شرکت است.

اگر یک انسان برای مدت طولانی روی تخت دراز بکشد با اینکه زنده است ولی زخم بستر می‌گیرد. وضعیت سهام هم دقیقاً همین است. باید مرتب این سهام را خرید و فروخت و بازار را به حرکت درآورد. پس حتماً باید وارد بازار سرمایه شد و سیدگردانی کرد و تحولات را در منظر عموم قرار داد. با این شرایط ما می‌توانیم ارزش افزوده بیشتری داشته باشیم و از دارایی‌ها صیانت کنیم. از طرفی فروش یک کارخانه به طور مستقیم کلی مراحل و مسائل پیچیده دارد، اما وقتی همان کارخانه در بازار سرمایه باشد، گاهی ممکن است برای شما مزیت نداشته باشد، اما برای دیگری ممکن است مزیت داشته باشد. پس سهام را واگذار می‌کنید و دیگری وارد می‌شود و این روند به صورت تدریجی و به صورت رفت و برگشتی وجود دارد و واگذاری درصدی از سهام یک کارخانه می‌تواند به بقا و پایداری آن کمک بیشتری کند. از سوی دیگر در بازار سرمایه شفافیت وجود دارد. تمام اطلاعات یک واحد صنعتی ارائه می‌شود و هیچ چیزی برای پنهان کردن وجود ندارد و کالا در منظر عمومی معامله می‌شود و هیچ کس نمی‌تواند بگوید پشت پرده‌ای وجود داشته و حواشی از این دست پایان می‌یابد. اینها

اصل سرمایه! اگر این کار صورت نگیرد ارزش منابع تأمین اجتماعی از بین می‌رود. پس باید اصل سرمایه‌گذاری را تأیید کرد. حالا این از وظایف مدیران تأمین اجتماعی است که در چه زمینه‌هایی سرمایه‌گذاری شود تا بیشترین ارزش افزوده و حفظ سرمایه را داشته باشد. بهر حال اینطور نیست که حوزه‌های مختلف همیشه ارزش افزوده و مزیت داشته باشند. زمانی مزیت در صنعت خودرو بوده زمانی هم صنایعی مانند صنعت سیمان، دارو، انرژی و بازار سرمایه و نفت و گاز و پتروشیمی، صنایع عمومی، معدنی، ساختمان، حمل و نقل و عمران و... با همه اینها امروز مالکیت ۹ هلدینگ در اختیار شستا است که در رشته‌های مختلف فعالیت می‌کنند.

■ در حال حاضر در چه حوزه‌هایی مزیت بیشتری برای سرمایه‌گذاری وجود دارد؟

در چند بخش مزیت وجود دارد. یکی نفت و گاز و دیگری صنایع دانش‌بنیان است. تولید دارو‌های های‌تک و ایجاد استارت‌آپ‌ها، البته مرتبط با صنایع نوین مانند آی‌تی و در نهایت بازار سرمایه برای سرمایه‌گذاری مزیت دارد.

■ آیا شستا در مسیری که توصیف کردید موفق بوده و نتایج به سمت حفظ ارزش سرمایه‌ها رفته است؟

آنچه توضیح دادم مسیر طبیعی است و واقعیت این است که ما در باره آنچه باید باشد و مسیری که می‌تواند مطلوب باشد صحبت کردیم. شستا هیچ رسالتی غیر از حفظ ارزش پول و خلق سود ندارد. ممکن است وقتی سرمایه‌گذاری می‌کنید، خود به‌خود ایجاد اشتغال هم کنید و در رفع محرومیت نقش داشته باشید و یک وظیفه ملی را انجام بدهید. اینها به نوعی نتایج سرمایه‌گذاری است که به طور طبیعی به دست می‌آید در طول سال‌های گذشته شستا مشکلاتی داشته و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته آن نیز عموماً براساس متدلوژی، مطالعه و برنامه‌ریزی مشخص و مدون نبوده است. در اجرای اصل ۴۴ و خصوصی‌سازی خیلی از صنایع را در قالب ردین به این مجموعه محول کرده‌اند. نتیجه این کار این شده که مخرج کسر که سرمایه ورودی است متورم شده و چون صنایع زیان‌ده و کم‌بازده در کنار صنایع سودده نشسته، صورت کسر که سود حاصل از سرمایه است را کوچک کرده. لذا سود و بهر‌موری متناسب با دارایی‌ها حاصل نشده که این امر ناشی از دخالت دستوری دولت‌ها بوده است.

■ آیا این دخالت‌ها متوقف شده است؟

خوشبختانه مجلس جلوی این دخالت را گرفته است و دیگر واگذاری صنایع در قالب ردین اجباری نیست. ممکن است ما صنعت خوبی را متقاضی باشیم که تحویل بگیریم ولی از آن طرف تحمیلی به ما صورت نمی‌گیرد.



• جواد حیدریان •

• روزنامه نگار •

دکتر رضا نوروززاده، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی است که به اختصار «شستا» نامیده می‌شود. او متولد اسفراین در استان خراسان است و ۲۰ سال سابقه نمایندگی مجلس دارد. او در طول حضور در پارلمان، عضو هیئت رئیسه مجلس بوده و بعد از آن مدیرعامل شرکت گسترش و نوسازی صنایع ایران و معاون وزیر صنعت بوده است. نوروززاده فوق‌لیسانس مهندسی صنایع و دکترای مدیریت بازرگانی دارد.

■ درباره عملکرد شستا و ضرورت‌های سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی در صنایع مختلف توضیح دهید؟

شستا شرکتی متعلق به تأمین اجتماعی است. تأمین اجتماعی، سازمانی عمومی و غیردولتی است که ۴۶ میلیون نفر از سفره آن بهره‌مند هستند، که این ۴۶ میلیون نفر شامل کارگران بیمه‌شده، بازنشستگان و وابستگان آنها می‌شود. سازمان تأمین اجتماعی برابر با آماری که در سال گذشته شاهد آن بودیم، سالانه ۷۲ هزار میلیارد تومان هزینه دارد که شامل حقوق بازنشستگان، هزینه‌های درمان، مستمری از کار افتادگی و سایر هزینه‌هایی است که به موجب قوانین تصویب‌شده بر دوش سازمان تأمین اجتماعی است. سازمان برای تأمین درآمد و پرداخت این هزینه‌ها، سه مسیر پیش روی خود دارد. یک مسیر، تعهدات مالی است که از طرف قانونگذار بر عهده نهاد دولت گذاشته شده است. دومین مسیر، حق بیمه‌ای است که از حقوق شاغلان مشمول قانون بیمه تأمین اجتماعی به این سازمان پرداخت می‌شود. هر کسی که تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی است، ۳۰ درصد از حقوق خود را باید به تأمین اجتماعی پرداخت کند. هفت‌درصد شخص، سه‌درصد دولت و بقیه را کارفرما به سازمان پرداخت می‌کند. تمام مشمولان قانون کار در ایران، به تأمین اجتماعی حق بیمه پرداخت می‌کنند. سومین مسیر درآمدی است که از محل سرمایه‌گذاری‌های تأمین اجتماعی کسب می‌شود. موضوع بحث ما، سومین مسیر است. شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی به منظور حفظ ارزش ذخایر و دارایی‌های بیمه‌شدگان ایجاد شده است. امروز کارگران پول می‌ریزند و ۳۰ سال بعد کارگران برداشت می‌کنند. ارزش پول تا ۳۰ سال آینده از بین می‌رود و باید ارزش پول برای کارگران در آینده حفظ شود. کسی که ۳۰ سال قبل با ۱۰ هزار تومان استخدام شده است حالا با پنج تا شش میلیون حقوق بازنشست می‌شود. بنابراین شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی برای حفظ ارزش ذخایر ایجاد شد. پولی که اینجا سرمایه‌گذاری می‌شود دو نتیجه خروجی دارد؛ یکی حفظ ارزش پول و دیگری ارزش



یکشنبه • ۱۲ شهریور ۱۳۹۶ • شماره صد و هجده

A T I V E H N O

محاسن بازار سرمایه است. ممکن است پرسشی به‌وجود بیاید که آیا بهتر نیست شستا دارایی‌اش را بفروشد و با پول آن وارد بازار شود؟ یا در بانک سرمایه‌گذاری کند و به جای کارخانه‌داری، سهام‌داری کند؟ این یک نوع نگاه است که به آن خروج از نگاه‌داری می‌گویند که بحث روز هم هست. اما در کشور ما فضای جاری اجازه چنین کاری به ما نمی‌دهد. چون ما در فضای محدود داخلی کار می‌کنیم. در ایران نهادهای نداریم که با پول خودش در بازار سرمایه حضور داشته باشد. سیدگردان‌های زیاد و تخصصی در ایران وجود دارد اما افراد به دلیل توان تخصصی که دارند برای خودشان کار می‌کنند. اما اگر شما بخواهید وارد بازار جهانی شوید آدم‌های متخصص معمولی نمی‌توانند وارد بازار سهام شوند، بلکه نهادهای می‌توانند وارد این فضا شوند. نهادهای مثل شستا می‌تواند در بازار جهانی حضور داشته باشد و سهام بخرد و بفروشد اما واقعیت این است که ایران در چنین فضایی حضور ندارد و هیچ شرکت خارجی تاکنون سهمی از شرکت‌های ما نخریده است. اما این روند در حال آغاز است. برای ورود به بورس‌های جهانی باید شرکت‌های بین‌المللی شرکت‌های ما را رتبه‌بندی کنند، فرایندی که هنوز ما وارد آن نشده‌ایم.

■ برخی حواشی پیرامون شستا و شرکت‌های زیرمجموعه آن در فضای رسانه‌ای و البته گاهی در تریبون‌های رسمی شنیده می‌شود. همین موضوع در بسیاری از مواقع فشاری را به سازمان تأمین اجتماعی و حتی وزارت کار وارد می‌کند. مثلاً آخرین بار چنین حواشی پیرامون رای اعتماد به وزیر پیشنهادی به‌وجود آمد. چطور می‌توان عملکرد بهتری در چنین مواردی انجام داد و جلوی این حاشیه‌ها را گرفت؟

وضعیت شستا در این موضوع شبیه به ضرب‌المثلی است که می‌گویند: «پام را آدم بیفتد ولی نام را نه!» یک شرکت بزرگ اقتصادی مانند شستا رقابتی قوی و جدی دارد. چرا درباره آنها حرف و حدیث نیست یا کسی نمی‌تواند به این صراحت درباره آنها صحبت کند. بنیاد مستضعفان یا ستاد اجرای فرمان حضرت امام (ره)، این دو نهاد به مراتب از شستا بزرگترند. امروز ساتا تشکیل شده و دارد تنه به تنه شستا می‌زند و ما را عقب گذاشته است. این سوال را باید با یک سوال بنیادین دیگر پاسخ و توضیح داد: چرا چنین فضایی علیه شستا به‌وجود آمده است؟ وقتی شما مدیریت را سیاسی کنید، نه از نظر اینکه فلالی اصلاح‌طلب یا اصولگراست، طبیعی است که همه‌ما مواضع سیاسی داریم و من به عنوان یک اصلاح‌طلب نمی‌توانم بگویم موضع سیاسی ندارم، من موضع سیاسی دارم. بحث بر سر اداره کردن سیاسی بنگاه اقتصادی است، منظور این است که یک بنگاه اقتصادی را به صورت تخصصی اداره کرد. شستا نباید تبدیل به گاو شیرده برای تأمین منافع سیاسی افراد خاصی باشد. وقتی در احوار گذشته در مجلس به نمایندگان کارت هدیه می‌دهند این نگاه را در بعضی‌ها ایجاد می‌کنند که گویا شستا منبع عظیم پول است! شائبه و توقعاتی را به‌وجود می‌آورد که مثلاً چرا کم پول توزیع کرده‌اید؟ چرا به این دادی به آن یکی پول ندادی؟ این همان پام است. وقتی یک بنگاه اقتصادی اعتبار خود را از دست بدهد بازگشت خیلی سختی دارد. وعده و وعیدهای زیادی داده شده است. درحالی‌که اساساً وظیفه ما جز حفظ ارزش پول بیمه‌شدگان، چیز دیگری نیست! وقتی کسی می‌آید و وعده حل کردن اشتغال کشور با فعالیت شرکتی مانند شستا را می‌دهد، این توقع زیادی ایجاد می‌کند و اساساً با رسالت ساختاری چنین شرکتی سازگاری ندارد. حالا چرا چنین توقعاتی را از شرکت‌های بزرگی مانند بنیاد مستضعفان ندارند؟ چون ما خودمان اینگونه پزنت کردیم و این نام را روی خودمان گذاشتیم و باید این نام را برداریم. من برای اینکه این موضوع را حل کنم به دلیل سابقه نمایندگی مجلس، نزد نمایندگان شاخص کمیسیون‌ها رفتم و صحبت کردم. به آنها گفتم شما چرا دائم دارید تهدید به تحقیق و تفحص از شستا می‌کنید؟ تحقیق و تفحص را زمانی انجام می‌دهند که مدیری در شرکتی کار می‌کند ولی پاسخگو نیست و نمایندگان با اهرم قانون وارد آن شرکت می‌شوند.

من به آنها گفتم در هر زمینه‌ای که سوال دارید من و همکارانم به شما کمک می‌کنیم که ابهام شما رفع شود. ما چیز پنهانی نداریم. نمایندگان قانع شدند که شستا رسالتش آن چیزی نیست که در گذشته از نام آن افتاده است.